مقالات اقتصادی: چه میزانی از درآمدهای نفتی صرف سرمایه گذاریهای مولد شده است؟

رستمی، فریدون

اقتصادی:

چه میزانی از درآمدهای نفتی صرف سرمایه‏گذاریهای مولد شده است؟اقتصاد ژاپن از معجزه تا بحران‏ میانسالگی-قسمت اول.پسمانده‏ها و محیطزیست-قسمت اول.جامعهء اقتصادی اروپا و دیدگاه‏ اتریش-قسمت دوم.نفت و گاز و اهمیت آن برای کشورهای خاورمیانه.مشکلات اقتصادی و عدم کنترل‏ مردم چین.خصوصی‏سازی در مراکش.تایوانیهای سفر دوست.شرکت‏های بین المللی سیگارسازی و ترفند جدید برای نفوذ به بازرهای دنیا.

تکنولوژی:

ضعف خودروهای برقی.در جستجوی علت تندبادها.

آماری:

در سال گذشته قیمت‏های جزئی فروشی 6/21 درصد افزایش یافت.تحولات شاخص‏های اقتصادی و اجتماعی.معدن کشور در سال 1371.فعالیت‏های مدیریت استاندارد و تحقیقات صنعتی استان تهران. آمار رستوران‏ها و محل‏های صرف غذا و نوشیدنی کشور در سال 1368.مزرعه‏های مرغ مادر کشور در سال‏ 1370.آمار مرغداریهای پرورش‏دهنده مرغ تخمگذار در سال 1370.وضع عمومی زراعت دانه‏های‏ روغنی کشور.آمار اقامتگاههای عمومی روستائی در سال 1369.تولید برق در سال 1371.شاخص بهای‏ خرده‏فروشی کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارهای روستائی کشور در فصل پائیز سال 1371.وضعیت‏ عمومی پنبه کشور در فروردین‏ماه 1372.صادرات یک ماهه خرداد 72 از بلوچستان.آمار آرایشگاه‏ها و سالن‏های زیبائی.وضعیت عمومی دانه‏های روغنی و صنایع روغن‏کشی و روغن نباتی کشور در فروردین‏ ماه 1372.سال 1369 به عنوان سال پایه شاخص قیمت‏ها انتخاب شد.

نفت نقش بسزائی در دگرگونیهای اقتصادی و سیاسی کشورمان در قرن حاضر داشته است.از یک سو نفت یک منبع عمدهء درآمد برای دولت بوده است‏ و از سوی دگر اهمیت این ماده حیاتی برای اقتصاد کشورها،بویژه کشورهای صنعتی،موجب شده بود تا بر بسیاری از معادلات سیاسی در کشور ما تأثیر بگذارد. هم اکنون وابستگی به درآمدهای نفتی چنان است‏ که در صورت نبودن این درآمدها اقتصاد کشور دچار آشفتگیهای شدیدی می‏شود.ادعا کرد که نوسان در درآمدهای نفتی مستقیما بر چگونگی‏ کارکرد اقتصاد کشور و رشد و رکود آن تأثیر می‏گذارد. این تأثیرپذیری اقتصاد از درآمدهای نفتی بیشتر زمانی آغاز شد که قمیت آن در دههء 1350 به شدت‏ افزایش یافت.می‏توان تصور کرد که در سالهای پیش‏ از دههء 1350 و به دلیل پائین بودن قیمت نفت‏ در آن سالها و اهمیت نسبتا کم آن در درآمدهای‏ دولت و کشور،اقتصاد کشور به میزان بسیار کمی از آن‏ متأثر می‏شد.ولی اکنون که بیش از 80 درصد درآمدهای ارزی کشور و بیش از 70 درصد درآمدهای‏ دولت از راه فروش نفت تأمین می‏شود،باید اهمیت اساسی و تعیین‏کنندهء آن را در اقتصاد ایران‏ پذیرفت،حال با توجه به اهمیت نفت در اقتصاد کشور،درآمدهای حاصل از آن را چگونه باید مصرف‏ کرد و اصولا استفاده بهینه از این درآمدها چگونه‏ است؟

نفت به عنوان یک مادهء تجدید نشدنی جزو سرمایه‏های طبیعی کشور است و استفاده از آن نیز باید به مبنای همان اصولی باشد که از دیگر سرمایه‏های طبیعی و فیزیکی می‏شود.آنچه که در استفاده از سرمایهء(از جمله نفت)یک کشور انتظار می‏رود این است که این سرمایه بتواند موجب تولید کالاهای دیگری شود.بدین معنی‏ که در صورتی در استفاده از درآمدهای نفتی موفق‏ می‏باشیم که بتوانیم آن را تبدیل به انواع دیگر سرمایه از جمله سرمایهء انسانی و سرمایه فیزیکی‏ بکنیم.تنها در این صورت است که می‏توانیم ادعا کنیم که از نفت به عنوان یک عنصر سرمایه‏ای‏ بهره‏برداری شایسته کرده‏ایم.بدین منظور باید بررسی شود که چه میزانی از درآمدهای نفتی‏ صرف احداث کارخانه‏ها،واحدهای تولیدی مفید ومؤسسات آموزشی و تربیت نیروی انسانی شده‏ است.

تفکیک موارد استفاده و میزان استفاده از نفت‏ بسی دشوار است ولی می‏توان مشخص کرد که چه‏ میزان از آن صرف واردات کالاهای سرمایه‏ای شده‏ است که خود موجب تولید کالاهای دیگر میشود. البته در نظر گرفتن میزان درآمدهای نفتی اختصاص‏ یافته به واردات کالاهای سرمایه‏ای نمی‏تواند معیار بسیار خوبی در زمینهء سنجش عملکرد در این‏ مورد باشد چرا که قسمتی از درآمدهای نفتی که ظاهرا جنبهء مصرفی دارد نیز،غیر مستقیم،همچون‏ تربیت نیروی انسانی،بهتر شدن تغذیه و اثر آن‏ بر پرورش فکری جامعه و غیره نیز در راستای توسعهء اقتصادی کشور و بهره‏برداری مولد قرار گرفته‏ میگیرد ولی میزان واردات کالاهای سرمایه‏ای‏ می‏تواند شاخص نسبتا خوبی در این زمینه باشد و حد اقل نشان دهد که روندها به چه صورت بوده‏اند از اینرو جدول زیر به منظور نشان دادن سهم‏ واردات سرمایه از کل درآمدهای نفتی کشور در سه‏ دههء منتهی به 1369 آمده است و نشان داده شده‏ است که چه درصدی از درآمد نفت و گاز صرف واردات‏ کالاهای سرمایه‏ای شده است.اما از آنجائیکه‏ میزان درآمدهای نفتی بر واردات تنها در سال آینده‏ و سالهای پس از آن مؤثر است از اینرو سهم‏ واردات کالاهای سرمایه‏ای در هر سال را نسبت به‏ میزان درآمدهای نفتی سال پیش از آن بدست‏ آورده‏ایم.

مشاهده می‏شود که در فاصلهء سالهای 1347- 1339 در حدود یک سوم درآمدهای نفتی صرف‏ واردات کالاهای سرمایه‏ای می‏شد.این نسبت در سالهای 1357-1348به کمتر از یک پنجم کاهش‏ یافت.

همانطوریکه می‏دانیم در بیشتر سالهای این دوره‏ درآمدهای نفتی به دلیل بالا رفتن قیمت نفت به‏ شدت افزایش یافت.آیا افزایش ناگهانی درآمدهای‏ نفت موجب کاهش سهم نسبی کالاهای سرمایه‏ای‏ در واردات شده و به عنوان منبع همیشگی درآمد پنداشته می‏شود؟می‏توان بحث کرد که به دلیل‏ محدودیت قدرت جذب اقتصاد در انجام سرمایه- گذاری ناشی از افزایش درآمد نفت،کشور نتوانست‏ همهء درآمدهای نفتی را به سرمایه‏های مولد تبدیل‏ کند.همانطوریکه در جدول آمده است،میزان‏ سرمایه‏گذاریها از طریق افزایش کالاهای وارداتی‏ در سالهای 1356-1354 به شدت افزایش یافت‏ ولی سهم آنها در درآمدهای نفتی شدیدا روبه‏ کاهش نهاد.در این سالها همچنین مقداری از درآمدهای نفتی صرف سرمایه‏گذاری در خارج از کشور شد که خود نشانگر محدودیت جذب اقتصاد و توانائی آن در انجام سرمایه‏گذاریهای مولد است. پس از این دوره میزان کالاهای سرمایه‏ای وارداتی‏ نفت به درآمد نفت به شدت کاهش یافت و در سال‏ 1359 به 2/7 درصد رسید که پائین‏ترین سطح در طول این چند دهه بود.ولی در مقابل با افزایش‏ درآمد نفت در سالهای 1361 و 1362 میزان واردات‏ کالاهای سرمایه‏ای نیز افزایش یافت که بر خلاف‏ سهم سرمایه‏گذاری از درآمدهای‏ نفت و گاز(درصد)،1369-1339

 \*به جهت در دست نبودن آمار مربوط به موازنه‏ پرداختها،درآمد نفت و گاز تا سال 1346 بر مبنای‏ جدول موازنهء ارزی کشور است.

مأخذ:1-بانک مرکزی ایران،گزارش‏های سالانه

2-گمرک ایران،آمار بازرگانی خارجی

روند مشاهده شده در سالهای 1356-1354 بود. آیا در این دوره ظرفیت سرمایه‏گذاری کشور افزایش یافته بود یا اینکه دولتمردان وقت،تمایل‏ به تبدیل درآمدهای نفت به سرمایه‏های مولد دیگر داشتند؟اگر چنین است این روند می‏بایست‏ در سالهای پس از آن ادامه می‏یافت که چنین نشد البته باید همچنین،توجه داشت که دوران جنگ‏ هشت ساله یک عامل مهم در کاهش سرمایه‏گذاریها بود و فضای حاکم بر اقتصاد کشور به گونه‏ای بود که‏ انجام سرمایه‏گذاریهای بلند مدت را ناممکن‏ می‏ساخت،به‏هرحال باید توجه داشت که با افزایش شتاب‏آود جمعیت،قدرت جذب اقتصاد ملی نیز افزایش یافت و در نتیجه سهم بیشتری از درآمدهای نفتی صرف واردات کالاهای سرمایه‏ای‏ و در نتیجه سرمایه‏گذاری شد.

گذشته از این،وردات کالاهای سرمایه‏ای و انجام سرمایه‏گذاریهای مولد و موضوع جدا از هم‏ هستند.ممکن است برخی از سرمایه‏گذاریها ناکارا و بدون داشتن توجیه اقتصادی-فنی بوده باشند. چنانکه هم اکنون آشکار شده است،بسیاری از سرمایه‏گذاریها بر مبنای مزیت‏ها نسبی در تولید نبوده و تنها به منظور تامین نیازهای داخلی به‏ پیروی از سیاست جایگزینی واردات و تحت‏ حمایت‏های تعرفه‏ای و غیر تعرفه‏ای بوده است. راستی چه میزانی از درآمدهای نفتی را به سرمایه‏ گذاریهای کارا تبدیل کرده‏ایم؟آیا صادرات نفت‏ میباید تنها به منظور واردات کالاهای سرمایه‏ای‏ جهت انجام سرمایه‏گذاریهای کارا انجام شود؟ شاید وقت آن رسیده باشد که صادرات نفت را تنها از این نقطه‏نظر انجام دهیم که نفت متعلق به‏ نسل‏های آینده نیز هست و طبعا سرمایه‏گذاریهای‏ حاصل از محل درآمد نفت نیز باید بهره‏دهی‏ بلند مدت داشته به رشد و توسعه برای نسلهای‏ آینده کمک کند.